

همزیستی مسالمت آمیز

از طریق آموزش تاریخ و جغرافیا*

دفتر همکاریهای علمی بین المللی
وزارت آموزش و پرورش

همزیستی مسالمت آمیز از طریق آموزش دروس تاریخ و جغرافیا امکان پذیر است، مشروط بر آن که دانش آموزان از تعلیمات مورد نیازی که «می بایست» در دروس تاریخ و جغرافیا گنجانده شود، بهره مند شوند. در جهان امروز گنجاندن موضوع هایی از قبیل منطقه گرایی، جهان گرایی و... در کتاب های درسی تاریخ و جغرافیا ضروری است. زمانی که صحبت از جهان گرایی و منطقه گرایی به میان می آید، نوع فرهنگ مورد نظر ما نیز باید مطرح و مشخص شود، این که، آیا فرهنگ مورد نظر ما، فرهنگ منطقه ای، ملی، بین المللی یا جهانی است؟ در جهانی که بسرعت به یک دهکده جهانی تبدیل می شود، ارتباطات ما با سایر فرهنگ ها چگونه باید باشد؟

در بعضی از کتاب های درسی، همزیستی مسالمت آمیز از طریق احترام گذاشتن به اصولی همچون بردباری، وحدت، مودت و مسؤولیت، آموزش داده می شود. اما در عین حال در این گونه کتاب ها، هدف اصلی تقویت اتحاد ملی است و تفاوت های اخلاقی و اجتماعی به طور کلی نادیده گرفته شده است. آیا کتاب های درسی موجود، دانش آموزان را از مزایای همزیستی مسالمت آمیز آگاه می کند؟ براسستی عقیده آموزگاران و دانش آموزان درباره ضرورت زندگی در کنار یک دیگر، چیست؟

توسعه اقتصادی را مطرح کردند. از این رو دولت‌ها از طریق نظارت بر برنامه‌های آموزشی و امتحانات، به دخالت در نحوه آموزش جغرافیا پرداختند. برنامه آموزشی کنونی درس جغرافیا، که در آن از روش‌های دانش آموز محور استفاده می‌شود، شامل موارد زیر است:

● دانش فنی: بازخوانی نقشه‌ها، استفاده از اصطلاحات مناسب، استفاده از اطلاعات و رایانه و ...

● دانش تطبیقی مناطق مشخص: مقایسه مکانی که مدرسه در آن واقع شده است با مکان دیگری در همان کشور، مقایسه مکان‌هایی واقع در کشورهای پیشرفته با مکان‌هایی در کشورهای در حال توسعه و ...

● دانش موضوعی: فرآیندهای زمین‌ساختی، آب و هوا، ژئومرفولوژی^۱، اکوسیستم، جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، مشکلات زیست محیطی و توسعه و ...

آموزش جغرافیا همچنین به سمت آشنایی با شبکه‌های اطلاع‌رسانی که تبادل اطلاعات مربوط به مردم و کالاها را در مقیاس جهانی، ترغیب می‌کند، سوق داده می‌شود. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که: «آیا شبکه‌های جدید از حاکمیت ملی جانبداری می‌کنند و یا در رویارویی با مفاهیم گسترده تری که به «دهکده جهانی» ارتباط دارد، انعطاف پذیرند؟»

آیا این شبکه‌ها ارتباط میان کشورهای همسایه و یا سراسر جهان را تقویت می‌کنند؟

در حال حاضر، برای محافظت از قلمرو کشورها، از کدام ساز و کارهای نهادی استفاده می‌شود؟

در این مرحله است که اختلاف میان منافع ملی و بازار جهانی به وجود می‌آید. تاریخ و جغرافیا باید این نوع اختلاف‌ها را حل و به ما کمک کند تا نوع جدیدی از شهروندی را که در حال ظهور است، درک کنیم. سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که آیا شبکه‌های جهانی، سیستم‌های کوچک تری را که براساس ارزش‌های محلی و سنتی خود به وجود آمده‌اند، به چالش می‌گیرند؟

همزیستی مسالمت آمیز به عنوان یک وظیفه

به نظر می‌رسد که در کلیه کتاب‌های درسی کشورهای ذکر شده، سطح قابل قبولی از تعلیمات مربوط به همزیستی مسالمت آمیز

دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت برای پاسخ به این سؤال‌ها، کتاب‌های درسی مدارس چندین کشور با فرهنگ‌های کاملاً متفاوت از قبیل کاستاریکا، جمهوری چک، السالوادور، گواتمالا، لبنان، آفریقای جنوبی و کانتون ژنو را که از تقسیمات کشوری سوئیس محسوب می‌شود، مورد بررسی قرار داده است. در بعضی از این کشورها، طی سالیان اخیر تغییرات عمیقی رخ داده است و در بعضی دیگر این تغییرات همچنان ادامه دارد. این تغییرات عبارتند از: خاتمه جنگ داخلی ۱۶ ساله در لبنان، سقوط آبارتاید در آفریقای جنوبی، فروپاشی رژیم کمونیستی در چکسلواکی و خاتمه یک دوره طولانی جنگ داخلی در آمریکای مرکزی. علاوه بر آن، به منظور درک کامل جنبه‌های مهم یادگیری همزیستی مسالمت آمیز، سؤال‌هایی چند با تعدادی از معلمان و دانش‌آموزان در میان نهاده شد. در این بررسی، از دو روش استفاده شده است. روش اول شامل: تجزیه و تحلیل ماهیت دقیق دانش صریحی است که در کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا تدریس است.

در روش دوم، دانش ضمنی یا به عبارت دیگر دانشی که از زندگی روزمره در اجتماع کسب می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است.

مختصری درباره تاریخ کتاب‌های درسی

در طراحی کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا در قرن نوزدهم، چهار اصل در نظر گرفته می‌شد: الف: تغییر بر اثر گذشت زمان؛ ب: سازمان جامعه؛ ج: تلاش برای بقا؛ د: پیشرفت.

در پایان قرن نوزدهم، تغییراتی در نحوه تألیف کتاب‌های درسی به وجود آمد. تأثیر شدید عقاید امپریالیستی و میهن پرستانه در میان مردم، بتدریج در این کتاب‌ها نیز نمایان شد. ظهور نقش ملت-دولت و گسترش تمدن اروپایی در سرتاسر دنیا که از سیاست استعماری ناشی می‌شد، کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا را تحت تأثیر قرار داد. سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ م دوران رکود این طرز تفکر محسوب می‌شود؛ زیرا در آن هنگام، این نگرش به وجود آمد که: «لااقل در درس جغرافیا باید بی طرفانه تدریس شود!» این دوران در اواخر دهه ۱۹۷۰ م زمانی به پایان رسید که مکتب سوسیالیستی یک تحول فکری به وجود آورد؛ براساس این طرز تفکر تدریس جغرافیا می‌بایست به کاهش بی‌عدالتی‌های اجتماعی کمک کند. همزمان با این تحول، دولت‌ها اهمیت نقش تدریس جغرافیا در

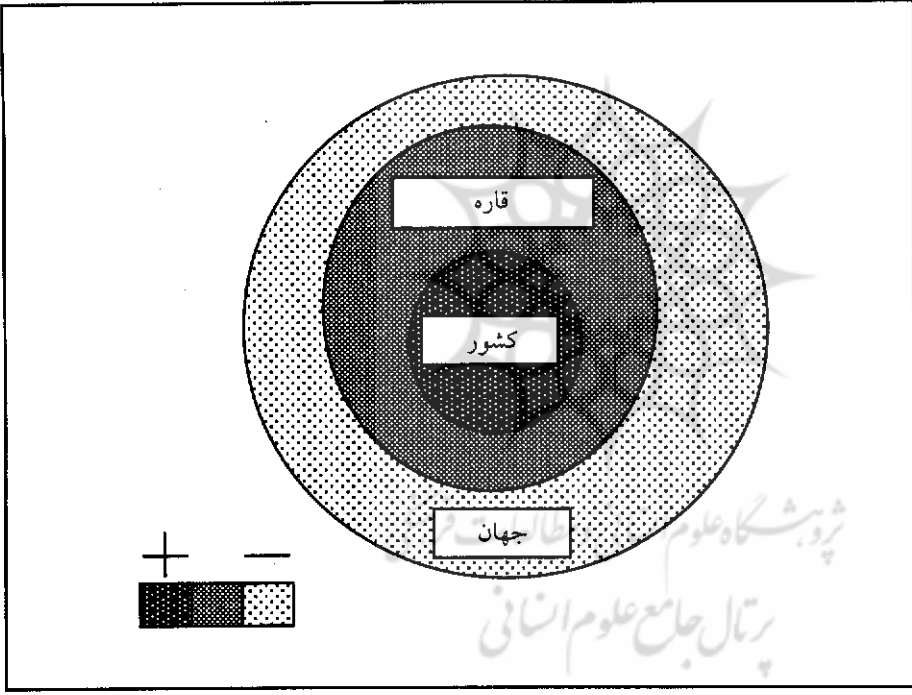
به چشم می خورد. اما در این کتاب ها از بحث درباره اقوام محلی و اختلافات موجود جوامع درون کشورها خودداری شده است. برای مثال در لبنان، کتاب های درسی با هدف اشاعه دانشی یکسان در میان مردم تألیف می شوند. به عبارت دیگر، ماهیت آموزش در این کشور، فراهم کردن دانش مشابه برای کلیه دانش آموزان است. در نتیجه براساس پیش بینی های به عمل آمده، کلیه دانش آموزان خود را یک لبنانی کامل تصور می کنند و نه شهروندانی لبنانی که به گروه های قومی خاص خود وفادارند.

این روش آموزشی، به دلیل وجود سیستم متمرکز مراجع و منابع پدید آمده است و نوعی شهروند لبنانی تربیت می کند که هیچ گونه خاطره ای از قوم خود در ذهن ندارد. در واقع، یک حافظه سازمانی که حاوی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی است، جایگزین خاطرات قومی می شود. این کتاب های درسی رسمی به منظور کمک به ایجاد وحدت ملی طراحی شده اند.

به همین علت است که در آن ها از جوامع مذهبی لبنان هیچ سخنی به میان نیامده است. این آموزش ها سبب به وجود آمدن پدیده ای موسوم به «homo Libanicus» یعنی فردی که فقط به کشور لبنان وفادار است، می شود. در واقع حذف آن چه که روح حیاتی لبنان یعنی جوامع آن را تشکیل می دهد، اقدامی است تعمدی برای تقویت یک هویت در میان مردم؛ یعنی: «هویت لبنانی!». استفاده از این روش در کتاب های درسی سبب می شود تا لبنانی ها همزیستی مسالمت آمیز را یک وظیفه تلقی کنند؛ اما واقعیت این است که در لبنان چندین هویت قومی

وجود دارد که در مجموع کشور لبنان را تشکیل می دهند. بنابراین براساس تعاریفی که در کتب درسی ارائه شده است، «لبنانی بودن» به یک تصویر ذهنی مصنوعی و همگانی مربوط به قلمرو کشور تبدیل می شود که به منظور جلوگیری از افزایش اختلافات داخلی به وجود آمده است. در این روش، هر نوع احساس وابستگی نسبت به جامعه و به همراه آن، عواطفی که به موجب آن محل زندگی انسان با مفاهیم عمیق پیوند می خورد، به نحو حساب شده ای، ریشه کن می شود. در آفریقای جنوبی تاریخ و جغرافیا در قالب علوم انسانی و علوم

اجتماعی تدریس می شود. محتوای این دروس شامل مفاهیمی چون قلمرو ملی، جامعه، پویایی و ملت است. موضوع «قلمرو ملی» که برای دانش آموزان دوره ابتدایی تدریس می شود، هیچ محدودیتی ندارد و شامل شبکه مبهمی است که ممکن است حتی کل جهان را تحت پوشش قرار دهد و به یک سیستم جهانی تبدیل شود. جامعه ای که در کتاب های درسی تصویر شده است نیز براساس ارزش های نژادی، وفاداری یا هویت افراد تشکیل نشده بلکه براساس فردیت شکل گرفته است. ارزش جامعه نیز در این کتاب ها شامل ویژگی های افراد آن می باشد که برای تبدیل شدن به شهروند با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. در این روش، توجه خاصی که به تفاوت های فردی مبذول می شود، ممکن است سبب شود که در مورد آن ها به عمد مبالغه شود. پویایی، یعنی اختلاف تفاوت ها و صرفاً به معنای تماس میان شهروندان نیست و قطعاً به معنای بروز



اختلاف میان آن ها نیز نمی باشد. ملت نیز با توجه به مفهوم تابعیت به وجود آمده است. دانش آموزان باید نحوه مشارکت در جامعه را بیاموزند و قوه ابتکار خود را به کار گیرند و این را درک کنند که در سیستم های پارلمانی، مخالفت با نژادپرستی و حمایت از دموکراسی ضروری است. کتاب های درسی به دانش آموزان می آموزند که به آفریقا و به یک مجموعه از کشورهای در حال توسعه تعلق دارند. این دو احساس تعلق از مخالفت آفریقایی ها علیه استعمارگرایی و نیز این احساس که آن ها بخشی از کشوری هستند که حداقل

مایه می گیرد و دارای قدمتی کهن می باشد، بیان شده است. در این کتاب ها، سنت های قدیمی جمهوری چک، با ماهیتی مستقل معرفی شده اند. در کتاب های مذکور، به وضوح مشخص شده است که جمهوری چک بخشی از اروپای غربی است و صمیمانه تلاش می کند تا با کشورهای همسایه در صلح و آرامش زندگی کند. دانش عمیق و کاملی که این کتاب ها درباره کشورهای همسایه جمهوری چک ارائه می کنند، سبب تقویت این نگرش بردبارانه می شود.

در کانتون ژنو، آموزش تاریخ و جغرافیا، بردباری را مورد تأکید قرار می دهد و به دانش آموزان کمک می کند تا:

الف: با جوامع دیگر ادغام شوند؛

ب: خود را با محیطی که در آن زندگی می کنند، تطبیق دهند و به آن احترام بگذارند؛

ج: الگوهای رفتاری جوامع دیگر (سایر بخش های سوئیس و دیگر کشورها) را بهتر درک کنند.

یکی از روش هایی که باعث می شود دانش آموزان بردباری را بیاموزند، درک تفاوت هایی است که میان خودشان و دیگران در یک جامعه ادغام شده وجود دارد. درس تاریخ و جغرافیا، کانتون ژنو را به عنوان کشوری که افراد جامعه به آن تعلق دارند و هویت خود را با آن شناسایی می کنند، معرفی می کند.

عقیده آموزگاران درباره همزیستی مسالمت آمیز

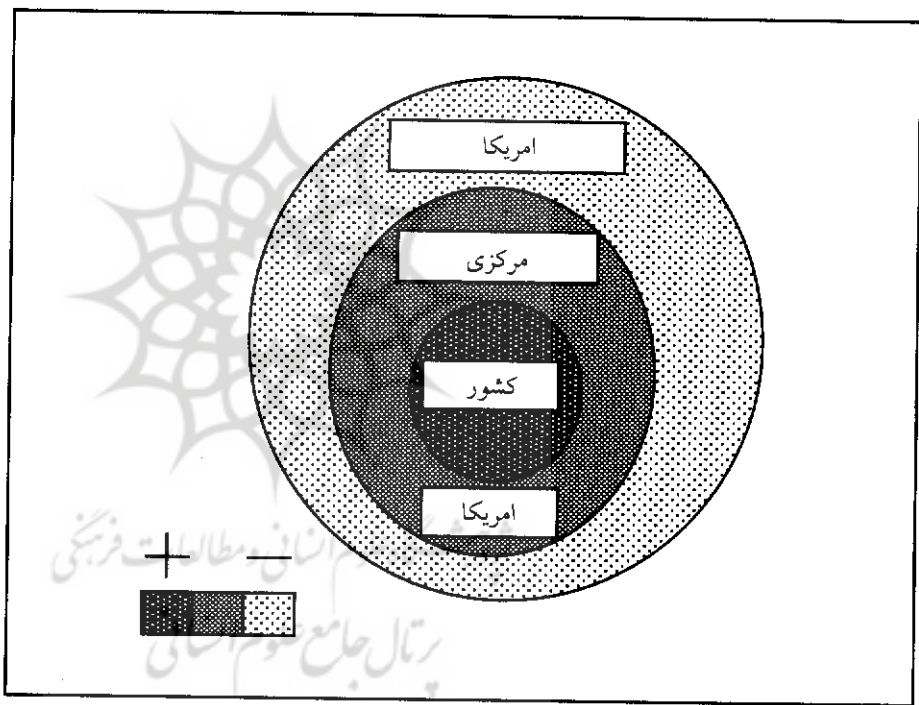
براساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه هایی که در

اختیار آموزگاران کشورهای جمهوری چک، السالوادور و لبنان گذارده شد، در حال حاضر کتاب های درسی تاریخ و جغرافیا، بنابر دلایلی، رضایت دانش آموزان را جلب نمی کنند. بعلاوه، جهان ما که به طور همزمان هم یک «دهکده جهانی» و هم عرصه منازعات قومی یا درون اجتماعی می باشد، دانش آموزان را سردرگم کرده است.

معلمان لبنانی، کتاب های درسی تاریخ و جغرافیا را اصلی ترین ابزار آموزشی به حساب می آورند. این گونه کتاب ها غالباً تنها منابع اطلاعاتی قابل دسترس دانش آموزان در زمینه تاریخ و جغرافیا

شباهت هایی با یک کشور در حال توسعه دارد، تأثیر می پذیرد. در کشورهای آمریکای مرکزی، کتاب های درسی تاریخ و جغرافیا، گذشته قبل از کشف قاره آمریکا را بیان می کند که شامل دو فرهنگ آمریکایی مایا و آزتک است. این فرهنگ ها هویت کشورهای آمریکای مرکزی را تشکیل می دهند. این اصالت فرهنگی از گواتمالا تا شمال کاستاریکا رواج دارد. با این وجود ارزش های ارائه شده در کتاب های درسی در این کشورها، با یکدیگر متفاوت است. برای مثال، کتاب های درسی کاستاریکا گروه های اقلیت و تفاوت های نژادی را تشریح می کنند تا نشان دهند که همزیستی مسالمت آمیز و بردباری، جزو ارزش های سستی جامعه کاستاریکا محسوب می شود.

در کتاب های درسی السالوادور تلاش شده است تا علل ظهور جنگ داخلی کشور و موافقتنامه های صلح بیان شود. در این کتاب ها



احترام به حقوق و وظایف مردم السالوادور برای تضمین همزیستی مسالمت آمیز در بین آنان مورد تأکید قرار گرفته است و بالاخره کتاب های درسی گواتمالایی، بتازگی بحث در مورد مشکلات نژادی را نیز آغاز کرده و دلایل محرومیت اکثریت جمعیت این کشور را مورد توجه قرار داده اند. اما با این وجود به ستمدگی این گروه اشاره ای نکرده اند.

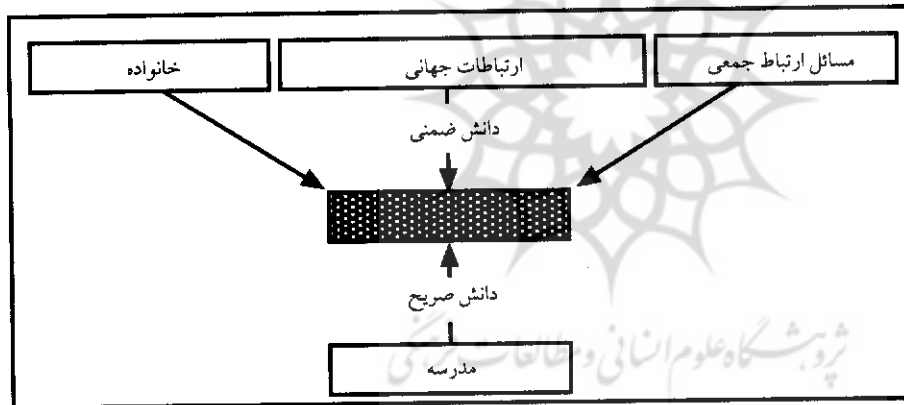
در کتاب های درسی تاریخ و جغرافیا در جمهوری چک، مفهوم ملی-کشوری چک، (مکانی که در آن شهر وند بودن از دوران باستان

نشده است. این امر از خودداری مقامات دولتی از برانگیختن آشوب های ناشی از تفاوت های مذهبی و سیاسی جامعه سرچشمه می گیرد. بنابراین محتوای کتاب های مذکور واقعیت های یک جامعه نامتجانس را پنهان می کند.

معلمان تاریخ و جغرافیا در جمهوری چک معتقدند که کتاب های درسی، دانش آموزان را آماده می سازد تا خود را تبعه کشورشان به حساب آورند و کشور خود را به طور کامل بشناسند. به همین علت است که در برنامه تحصیلی مدارس چک، موضوعات مرزی، اختلافات، وفاداری، ملت، جامعه و هویت فرهنگی به تفصیل بررسی شده اند. در این کتاب ها، اطلاعاتی درباره قاره اروپا و سپس جهان ارائه می شود تا جمهوری چک در گستره وسیع تری مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این کتاب ها همچنین دو مفهوم «چند ملیتی» و «هویت جهانی» را دربردارند.

عقیده دانش آموزان درباره همزیستی مسالمت آمیز

دانش آموزان لبنانی معتقدند که برنامه های درسی تاریخ و جغرافیا سبب شده است تا بتوانند درباره کشورشان و متعاقباً درباره



دنیا اطلاعاتی کسب کنند؛ هرچند از شهرها و محدوده اطرافشان در این کتاب ها هیچ سخنی به میان نیامده است. جالب تر آن که بیش از نصف دانش آموزان مورد مطالعه ادعا کردند که جهان را بخوبی می شناسند. البته مقصود آن ها سه جهان متفاوت است که عبارتند از: جهان عرب (مصر، اردن، عربستان سعودی، سوریه و ...)، جهان غرب (ایالات متحده آمریکا، فرانسه، کانادا و ...) و بالاخره جهان کمونیستی سابق (فدراسیون روسیه که هنوز آن ها آن را اتحاد جماهیر شوروی می نامند، چین و ...) این نوع طبقه بندی به این معناست که مفهوم «جهان» نزد افراد مختلف، به منشأ فرهنگی و الگوهای اقتصادی آنان بستگی دارد.

دانش آموزان لبنانی معتقدند که به کشوری با مذاهب مختلف

هستند. در کتاب های درسی مذکور، مفهوم هویت فرهنگی لبنان و موقعیت آن در جهان عرب بررسی شده است. زبان ارتباطی حاکم در یک سرزمین، فرهنگ آن را تشکیل می دهد و در نتیجه به موجودیت یک هویت و نحوه بیان آن در محدوده زندگی داخلی، یعنی کشور، تداوم می بخشد. کتاب های درسی، دانش آموزان را برای زندگی کردن در کشور، شهر و محدوده اطراف خود آماده می سازند. این هویت سه جانبه، نشان دهنده سلسله مراتبی است که جزء ثابت محل تولد و محل زندگی محسوب می شود. این وابستگی منطقه ای از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا سبب می شود تا عوامل هویت در مکان دارای معنی و مفهوم شده، (حافظه جمعی، فرهنگ، اساطیر اصلی قابل قبول و غیره) و سپس زیربنای اصلی هویت را تشکیل دهد. با این وجود، خطر به وجود آمدن یک ماهیت ارضی ملی که به هیچ یک از احساسات اصیل ملی گرایی مربوط نمی شود نیز وجود دارد.

بیان این هویت، در محتوای کتاب های درسی که به منظور بهتر شناساندن کشور به دانش آموزان طراحی می شود، امکان پذیر است. با این وجود، دانش آموزان نسبت به محیط اطراف و قوم خود بیش از ملتشان دلبستگی نشان می دهند؛

زیرا هویت خود را با دو مورد اول به آسانی شناسایی می کنند. هر جماعتی افرادی را که به آن تعلق دارند و در فضای متعلق به خود زندگی می کنند، می سازد و سازماندهی می کند. جامعه هویتی را که اساس آن بر احساس تعلق به یک گروه همسان استوار است، در افراد به وجود می آورد. معلمان معتقدند: «به دانش آموزان باید نشان داده شود

که چگونه می توانند با وجود تفاوت هایی که دارند، در کنار یکدیگر زندگی کنند. از آن جایی که دانش آموزان از وجود جوامع مختلف در کشورشان و اختلافاتی که میان آن ها وجود دارد مطلع هستند، باید این احساس در آن ها به وجود آید که همزیستی مسالمت آمیز امکان پذیر است. اما اگر در این کتاب ها علل بروز جنگ هایی که لبنان را به آتش کشیده است تشریح نشود یا معلمان درباره عدم توازن مستمر میان گروه ها برای دانش آموزان توضیحاتی ارائه ندهند، دانش آموزان به لزوم زندگی صلح آمیز در کنار سایر اقوام پی نمی برند.»

در السالوادور بر این اعتقادند که در کتاب های درسی تاریخ و جغرافیا، مسائل هویتی، فرهنگی و تاریخی کشور به اندازه کافی بیان

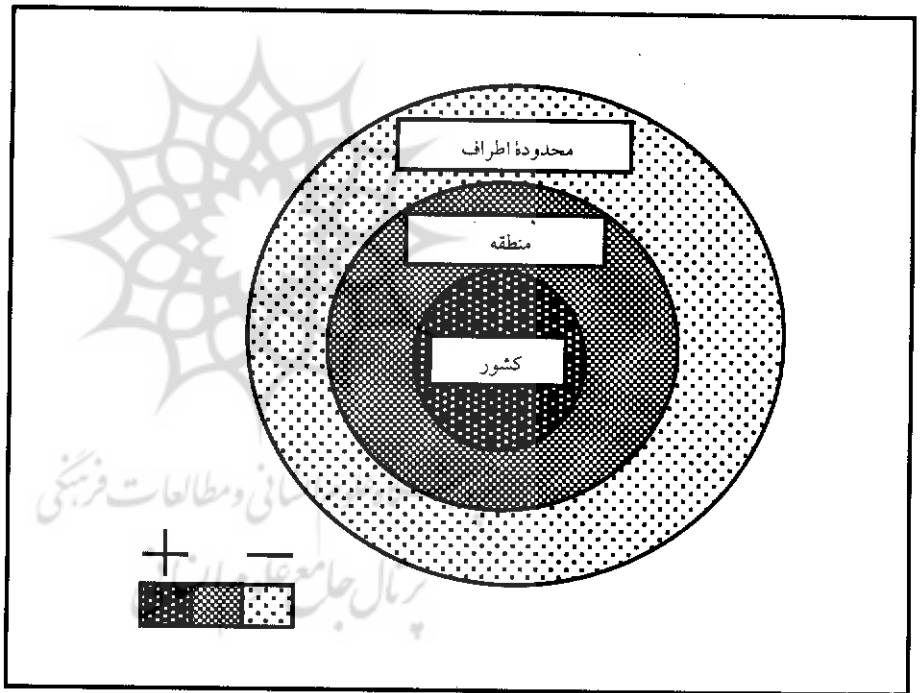
بیش تر از دانش آموزان السالوادوری برای کشورشان، که موجودیت آن اساساً توسط زبان و ملیت آن شناسایی می شود، اهمیت قایل هستند. در نتیجه دانش آن ها از محدوده های قاره ای فراتر می رود و جهانی می شود. ضمناً در کتاب های آموزشی جمهوری چک، مکان های کوچک تر از قبیل خانه و شهر تا اندازه ای نادیده گرفته شده اند. در واقع این طور به نظر می رسد که آموزش تاریخ و جغرافیا در این کشور، سبب افزایش بصیرت دانش آموزان نسبت به جهان اطراف می شود. البته بدیهی است که احساس تعلق معمولاً به مکان های محدود و مشخصی از قبیل شهرها (مثلاً شهر پراگ) مربوط می شود. و بالاخره آن که بررسی ها نشان می دهد که احساس تعلق دانش آموزان جمهوری چک نیز همچون احساس تعلق دانش آموزان کشورهای دیگر، به حالت درونی، یعنی دور شدن از سطح ملی و نزدیک شدن به سطح شهری میل می کند.

دانش ضمنی

تحقیقات به عمل آمده با کمک معلمان و دانش آموزان نشان می دهد که هر چند مدارس دانش آموزان را در جهت شناسایی شهرها، همسایگان، کشور یا کشورهای دیگر یاری می کنند، (که از آن به عنوان دانش صریح یاد می شود) اما در این میان دانش ضمنی نیز وجود دارد که بر آموخته هایشان اثر می گذارد. این دانش از طریق تماس های اجتماعی کسب می شود و حاوی ارزش های اجتماعی، نژادی، ملی و یا ارزش های مربوط به همسایگی است. دانش آموزان با مغزهای خالی به مدرسه نمی روند تا در

آن جا با آموزش های معلمان پر شود. بلکه قبل از شروع آموزش های مدرسه ای، دارای دانش ضمنی هستند که طی تحصیل در مدرسه به آن افزوده می شود. این دانش ضمنی ممکن است با عقاید خاص، تضادها، حرف های بی معنی و تعصبات خدشه دار شود. دانش ضمنی، روش یادگیری دانش آموزان را تصفیه می کند، ساختار آن را مشخص و در نهایت آن را سازماندهی می کند. دانش ضمنی به دانش آموزان کمک می کند تا از روی داده های اجتماعی از قبیل موضوعات عقیدتی، مذهبی، هویتی و غیره به سرعت مطلع

تعلق دارند که در آن از یک زبان واحد یعنی زبان عربی استفاده می شود؛ زبانی که به وحدت ملی استحکام می بخشد. با وجود آن که در این کشور فقط یک ملیت لبنانی وجود دارد، اما در واقع این هویت از چندین قوم که دارای فرهنگ، حافظه جمعی، روش زندگی و سنن مختلف هستند، تشکیل شده است. این عناصر، روح یک ملت با چند فرهنگ هستند؛ اما خود این عوامل نیز غالباً سبب بروز اختلافات داخلی می شوند و در نتیجه اتحاد آن ها پیوسته در مخاطره است. لبنانی بودن از نظر دانش آموزان فقط از طریق ارتباط آن ها با مکانی مشخص مثل کشور، شهر و یا یک ناحیه یا محله دارای معنی است. کتاب ها و رسانه های گروهی مختلف احساس ملی را، قبل از احساس تعلق به جهان، در افراد به وجود می آورند. این سلسله مراتب وابستگی مکانی، رابطه نزدیک میان هویت جامعه و محیط اطراف را منعکس می کند. سلسله مراتب مذکور، فرد را در یک سری دوایر هم مرکز که تقسیم بندی های نمادین آن کاملاً مشخص



است، قرار می دهد.

در این بررسی دانش آموزان السالوادوری نیز احساس تعلق خود نسبت به جامعه، ملت و منطقه را بیان کردند. احساس تعلق به منطقه جزو همیشگی هویت کشورهای آمریکای مرکزی محسوب می شود. البته این دانش آموزان هیچ احساس تعلق نسبت به فرهنگ های جهان شمولی یا جهانی ندارند. در واقع هویت و احساس تعلق آن ها، از محدوده قاره آمریکا فراتر نمی رود. در این بررسی مشخص شد که دانش آموزان جمهوری چک

شوند. در واقع درک آن‌ها از کشور و جهان، تحت تأثیر دانش ضمنی قرار دارد. بنابراین حس آزاد تعلق به یک کشور، یک فرهنگ یا جهان، توسط احساسات تعلق دیگری تعدیل می‌شود. این احساسات ممکن است سطحی، تجزیه شده و بازدارنده باشد و بر اساس اعتقادات و ارزش‌های مشترک به وجود آمده باشد. هر یک از انواع هویت‌ها به یک محدوده مشخص که فرد را در یک سری دوایر هم مرکز قرار می‌دهد، مربوط می‌شود؛ درست مانند آن که فرد را در میان چندین پوسته پیچیده باشند. این پوسته‌ها عبارتند از:

- محدوده اطراف: مکانی است که فرد در آن احساس راحتی و آرامش می‌کند و دارای پیوندهای نزدیک فامیلی و دوستانه است.
- شهر: اولین مکانی است که در آن ارتباط با افراد مختلف از جوامعی با فرهنگ‌های گوناگون میسر می‌شود.
- منطقه: مکانی است که به نظر می‌رسد حس محلّیت در آن از تضادها، تقسیم‌بندی‌ها و ویژگی‌ها تشکیل شده است.
- کشور: مکانی است که در آن وحدت ملی وجود دارد.
- جهان: از یک مجموعه سیستم فرعی تشکیل شده است که هر یک از آن‌ها به یک منطقه فرهنگی یا اقتصادی مربوط می‌شوند.

این دوایر هم مرکز، از مکان‌های نزدیک تا دور دست، از چیزهای آشنا تا نامآنوس، بافت هویت را در جهانی تشکیل می‌دهند که به شبکه‌هایی با روابط غالباً نابرابر تقسیم‌بندی شده است. به علت اعمال رفتارهای سلطه‌گرانه توسط یک گروه علیه گروه دیگر، دانش‌آموزان جهان را به صورت قطبی شده، نامنظم و دارای گروه‌های منطقه‌ای در حال نزاع طبقه‌بندی می‌کنند. با وجود آن که دانش رسمی یا صریح، مفاهیم شهروند بودن، استقلال ملی، قلمرو ملی و شبکه‌های جهانی را دربر دارد، دانش ضمنی نشان‌دهنده بازگشت به ارزش‌های قومی و اجتماعی که خاص مناطق محلی محدود است، می‌باشد. مقیاس‌های جغرافیایی به شکل سلسله مراتب تنظیم شده‌اند و این به آن معناست که درس تاریخ و جغرافیا موظف هستند آن‌ها را منعکس کنند.

نتیجه‌گیری

از بحث مذکور، چهار نظریه و پنج پیشنهاد به شرح زیر ارائه می‌شود. ابتدا به شرح نظریه‌ها می‌پردازیم:

۱. مدت زمان مدیدی است که در آموزش تاریخ و جغرافیا، یک احساس تعلق دوگانه معرفی شده که عبارت است از احساس تعلق به یک دوره و احساس تعلق به یک مکان. این احساس دوگانه که بر اساس روش رایج در نیمه اول قرن حاضر به وجود آمد، معمولاً جنبه‌های ملی را مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین آموزش تاریخ و جغرافیا، حدود یک منطقه و مرزهای آن را مشخص و پس از آن مشروعیت این منطقه و مرز را توجیه می‌کند. در چنین شرایطی،

جغرافیا کمکی برای درس تاریخ محسوب می‌شود.

۲. در جهان‌گرایی، به جای تأکید بر یکپارچگی جهان، در مورد تفاوت‌ها مبالغه شده است که همین امر باعث فروپاشی سیاسی و اجتماعی می‌شود. بر اساس نظریه جهان‌گرایی، مرزهای ملی برچیده می‌شود و مردم به سمت مناطق جدید و متفاوتی جذب خواهند شد. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا پس از این واقعه مردم هنوز هم به یک جامعه تعلق خواهند داشت؟ اگر پاسخ مثبت است به کدام جامعه؟ جهان‌گرایی باعث به وجود آمدن منطقه‌بندی‌های اجتماعی و سیاسی خواهد شد. کشورها بر اثر فشار گروه‌های قومی که در جست و جوی خودمختاری و هویت خویش هستند، نابود خواهند شد. در تلاش برای شناخت محیط، متأسفانه ملی‌گرایی آسان‌ترین راه چاره است که باعث بدتر شدن پدیده بیگانه‌هراسی در دنیایی است که امروزه همان گونه که مشاهده می‌شود، در اثر پدیده جهانی شدن در حال از هم گسیختگی است. با این وجود در این جهان بفرنج که هر روز با یک جامعه جدید مواجه می‌شویم باید دائماً هویت خود را بازنگری کنیم؟ زیرا تعیین مناطق جدید بعنوان محلی که انسان به آن تعلق دارد، یک نیاز دائمی محسوب می‌شود.

۳. به علت نوع سازمانی که جوامع ما در اطراف این مراکز دارند، نقاط کانونی و خوشه‌ها از طریق افزایش سریع کانال‌های ارتباطی به یکدیگر متصل هستند. در حال حاضر به نظر می‌رسد که جغرافیا سهم بزرگ تری در ارتباط میان تاریخ و جغرافیا داشته باشد. شگفت آن که جهان رو به نقصان ما سبب مهم تر شدن جغرافی گشته است.

۴. مأموریت اصلی تاریخ و جغرافیا، احداث پل‌های ارتباطی میان مناطق مختلف و جهان است. برای رسیدن به جهان شمولی، ما باید از کلیه ابعاد غرابت درک کاملی کسب کنیم و از بی‌عدالتی‌های اجتماعی نیز آگاه شویم. به عبارت دیگر، تدریس تاریخ و جغرافیا باید به ما آموزش دهد که چگونه به مناطق مختلف و همچنین به جهان، احساس تعلق کنیم. آن هم با توجه به پیوستگی میان سرزمین‌های مختلف، تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای و این واقعیت که مکان‌های مختلف نه تنها با یکدیگر هماهنگی دارند، بلکه به یکدیگر وابسته نیز هستند. اکنون اجازه بدهید پنج پیشنهاد برای روش تدریس تاریخ و جغرافیا در آینده ارائه بدهیم.

در تدریس تاریخ و جغرافیا نکته‌هایی وجود دارد که به شرح زیر است:

۱. مجموعه‌ای کامل از مقیاس‌ها باید در نظر گرفته شود که عبارتند از کوچک‌ترین مکان زندگی تا بزرگ‌ترین مکان یعنی جهان دانش‌آموزان باید با کلیه مکان‌های مختلفی که در آن زندگی می‌کنند،

است. بنابراین نخستین وظیفه ما اطمینان بخشیدن به افراد درباره تصور واقعی و علمی از دروس تاریخ و جغرافیا نیست؛ بلکه روشن ساختن زمینه‌هایی است مانند این که چرا در یک زمان خاص عقیده خاصی مهم تلقی می‌شود؟ به عبارت دیگر آن تصور یا عقیده کدام نیازهای جامعه را در آن زمان خاص تأمین می‌کند؟ مکاتب و نیروهای مخالفی که نگرش‌های جوامع را شکل می‌دهند کدام هستند؟ ... بررسی تاریخ واقعی، معرفت‌شناسی حقیقی حوزه‌های متغیر معنایی است تا به این وسیله تدریس را به فرایند معنی‌داری تبدیل کنیم. سپس باید بار آموزشی این مفاهیم را بررسی کنیم تا عدالت در جهان افزایش یابد. به این منظور مفاهیم خاصی از قبیل گفت و گو، بردباری، مساوات، وحدت، عدالت اجتماعی، مشارکت و تنوع مفید واقع می‌شوند. این اصطلاحات تصور «مکان‌های زندگی» را در مقیاس‌های انعطاف‌پذیر جغرافیایی و زمانی و فکر کردن درباره ارتباطات چندگانه و درک متقابل، امکان‌پذیر می‌سازد. از طرف دیگر بعضی دیگر از اصطلاحات از قبیل ملی‌گرایی، حمایت‌گرایی، محرومیت، نابرابری و ناامیدی مسأله‌ساز به نظر می‌رسند.

این بررسی شامل محتوای دروس و روش‌های تدریس است که بدون آن ارائه دانش به صورت هماهنگ و منسجم امکان‌پذیر نخواهد بود. در نتیجه پیشنهاد می‌کنیم که موضوعات مذکور با استفاده از روش‌های زیر مورد رسیدگی و توجه قرار گیرند:

- مقیاس‌های جغرافیایی و زمانی با پیوستگی‌ها و هویت‌های مختلف.
- ارتباطات میان تصورات ذهنی مختلف.
- گفت و گو میان افراد مختلفی که در یک مکان زندگی می‌کنند.
- انطباق با هویت‌های جدید.
- تأکید بر ارتباط بین شبکه‌های منطقه‌ای.

تا زمانی که شرایط آموزش آزادمنشانه فراهم نشود، هیچ‌یک از موارد فوق به تحقق نمی‌پیوندد. حق زندگی کردن و بهره‌مند شدن از آموزش، پایه و اساس اصلی این آموزش‌ها را تشکیل می‌دهد.

آشنا شده است، نحوه هماهنگی با یکدیگر را در آن مکان‌ها درک کنند. این مکان‌ها شامل خانه، شهر، منطقه (حوزه ناحیه) کشور و جهان است. در حال حاضر، یکی از آن‌ها یعنی کشور باید بررسی شود. کشور می‌تواند شامل محدوده‌ای باشد که روی یک نقشه قرار دارد یا یک تخیل ملی گرایانه و یا منطقه‌ای با اقتصادی کمابیش مستقل باشد.

۲. سه مفهوم را باید ایجاد کند: هویت: دانش‌آموزان باید بدانند کی هستند؟ از کجا آمده‌اند؟ و برای چه در این جا هستند؟ غربت: دیگران چه کسانی هستند، چه طور باید با آن‌ها ارتباط برقرار کرد؟ چه طور باید آن‌ها را درک کرد و بالاخره جهان شمولی: که یک نگرش جهانی محسوب می‌شود و شامل چند فرهنگه بودن، پویایی، آشنایی با شبکه‌ها و سیستم‌ها و ... است.

۳. اهداف یادگیری باید مشخص باشند: این اهداف عبارتند از: احساس تعلق، وحدت اجتماعی، احترام به دیگران و سعه صدر نسبت به بقیه جهان.

۴. دانش‌آموزان باید از بالا (سطوح علمی و دانشگاهی) و پایین (جامعه) تحت تأثیر قرار گیرند: روش‌های علمی یا دانشگاهی، نظم جهان را معرفی می‌کنند و باعث می‌شوند که از همان ابتدا جهان به گونه‌ای منطقی درک شود. در جامعه نیز آن‌ها به طور عمیق از نحوه درک جهان توسط خود و دیگران، نحوه استفاده از این ادراک در دیدگاه خود و نحوه پذیرش عقاید مختلف در جهان آگاه می‌شوند. ما نمی‌توانیم مکتب عقیدتی را نادیده بگیریم، بلکه موظف هستیم با سیستم‌های ارزشی خود و دیگران آشنا شده و تربیتی اتخاذ کنیم تا آن‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

سخن آخر

تاریخ و جغرافیا نیز همچون علوم اجتماعی دیگر در معرض موج‌های ناشی از مکاتب مختلف روز قرار دارند. بنابراین، هرگونه نگرشی از جهان‌ناشی از تصویری است که مورد پسند این مکاتب

پی‌نوشت:

۱. دانش مربوط به ویژگی‌ها، منشأ و توسعه شکل‌های گوناگون سرزمین‌ها.
۲. سیستم حکومتی کشور سوئیس جمهوری کنفدراتیو است. بنابر قانون اساسی، این کشور به ۲۶ کانتون تقسیم شده که هر یک از آن‌ها از قدرت حاکمه مستقل برخوردارند. برای مثال کانتون‌ها، قوانین آموزش و پرورش ویژه خود را دارند.

● این مقاله، ترجمه‌ای است از: